با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

قانون تبدیل وضعیت در مجتمع مس سرچشمه رفسنجان اجرا نشد

قانون تبدیل وضعیت جمعی از خانواده‌های شاهد و ایثارگر شاغل در مجتمع مس سرچشمه رفسنجان که قرار بود از ابتدای سال ۱۴۰۰اجرایی شده باشد هنوز اجرا نشده است. طبق قانون تبدیل وضعیت ایثارگران؛ خدمات جامع ایثارگران بند(د) تبصره ۲۰که مهرماه سال ۹۹در مجلس تصویب و به تمام دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی، ادارات دولتی و وابسته به دولت و خصوصی و خصولتی ابلاغ شد همه شرکت‌های تابع قانون کار از جمله شرکت مس سرچشمه رفسنجان موظف به تبدیل وضعیت نیروهای دارای شرایط خاص از قراردادی و پیمانی به رسمی هستند که با گذشت ۲سال از ابلاغ این قانون، در شرکت مس از اجرای آن سر باز می‌زند و زیر بار این موضوع نمی‌روند.

اسمایی از رفسنجان

کاشت و توسعه گیاهان آب‌بر برای مدتی ممنوع شود

به‌خاطر کمبود آب در دنیا باید در مصرف آن حداکثر صرفه‌جویی را کرد. در این مسیر می‌توان به‌مدت مشخصی جلوی کاشت و خرید و فروش گل و گیاهان تزئینی را گرفت. همچنین کشاورزی محصولاتی که آب زیاد مصرف می‌کنند باید متوقف شود. کشوری مثل ما که دارای یکی از بزرگ‌ترین منبع گاز و نفت جهان است می‌تواند نفت و گاز بسیار بفروشد و عوض تولید محصولات آب‌بر آنها را وارد کند. با این کار هم خودکفایی داریم هم مراودات بین‌المللی و هم بی‌نهایت شغل.

عسگری از تهران

سود بانکی حساب‌های پس انداز در مقایسه با تورم غیرمنصفانه است

دلیل اینکه سود بانکی حساب‌های پس انداز بسیار کمتر از نرخ تورم است چیست؟ آیا این روش موجب از دست دادن ارزش سرمایه‌های خردِ مردمِ ناچار نیست؟

پیمان از کرمان

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

صندوق محلی پول مشتریان را مسترد نمی‌کند

من در سال ۸۸عضو صندوق محلی در کرج شدم و از آن سال به‌طور مرتب حق عضویتم را پرداخت کرده‌ام. سال ۹۹درخواست انصراف و دریافت پولم را دادم متأسفانه از آن تاریخ تاکنون هیچ پاسخی به من داده نشده و مراجعه به واحد مرکزی واقع در تهران نیز بی‌نتیجه بوده است. استدلال مسئولان این است که در سایت این صندوق، گزینه استرداد حق عضویت تعریف نشده. نه‌تنها من، که چند صد نفر با این مشکل دست به گریبانند. مانده‌ایم به کجا شکایت کنیم!

کریمی از کرج

مبلغ صوری یارانه از حساب منتظران یارانه حذف شود

وزارت رفاه و کلیه سازمان‌هایی که راجع به دهک‌بندی‌ها تصمیم گرفته‌اند براساس جهاد تبیین شفاف‌سازی کنند که دهک‌ها را چگونه و برچه مبنایی تعیین کرده‌اند؟ ملاک دهک دهم چیست؟ آیا گردش و تراکنش را می‌شود ملاک قرار داد. مسئولان یک‌بار برای همیشه میزان درآمد و حقوقی را که مثلا یک بازنشسته دارد و باعث شده در دهک دهم قرار می‌گیرد، اعلام کنند. بنده و بسیاری از همکاران سابقم با قطع یارانه مواجه شده‌ایم درحالی که همگی یک مسکن مهر داریم که تا ۱۰سال دیگر هم باید اقساط آن‌را بپردازیم. از آن سو سازندگان ملک ما یا کارخانه‌داران بسیار مرفه در ردیف یارانه بگیران هستند و تا این لحظه هم یارانه آنها و خانواده‌شان قطع نشده است. از اینها که بگذریم وزارت تعاون لطفی کند و مبلغ صوری یارانه را از حساب چشم به راه‌های یارانه حذف کند. آن ارقام که به‌عنوان یارانه صوری واریز شده وغیر قابل برداشت است بهتر است به‌خود دولت بازگردد تا ما در حساب و کتاب روزگار پیری خودمان اشتباه نکنیم.

محمدحسین عسگری از تهران

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

ضمانت‌های بانکی برای زنان سرپرست خانوار کم شود

ضمانت‌های بانکی برای گرفتن وام برای خانم‌های سرپرست خانوار بسیار سنگین است و این قشر چه بسا مجبور شوند زیر دیونی بروند که از پس آنها برنیایند روا نیست به‌خاطر چند میلیون پول یک زن سرپرست به چند نفر رو بیندازد. گذشته از اینها بهره بالای وام‌ها باعث می‌شود کسی ضامن ما نشود.

مسعودی از تهران

هدر رفتن آب در میدان مادر اردبیل پایان یابد

از اوایل مردادماه آب در میدان مادر اردبیل هدر می‌رود و حداقل از این حجم آب برای آبیاری استفاده نمی‌کنند. لطفا مسئولان شهری پاسخگو باشند.

شایان قهرمانی آلیله از اردبیل

پاسخ مسئولان

آسانسورهای مترو پس از کسب استاندارد بهره‌برداری می‌شوند

روابط عمومی شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه پیرو چاپ پیام مردمی با عنوان چرا تعدادی از آسانسورهای متروی تهران بی‌استفاده است در ستون با مردم روز ۷تیرماه پاسخ داده است: «هم‌اکنون ۱۷۶آسانسور به شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه تحویل داده شده که اغلب آنها (یک آسانسور در حال تعمیر است) در حال خدمت رسانی به مسافران هستند، همچنین سایر آسانسورها به‌دلیل قوانین ملی استاندارد که مطابق با شرایط مترو نیستند هنوز موفق به کسب استاندارد نشده‌اند و قانوناً امکان بهره‌برداری از آنها وجود ندارد. امید است این مشکل با جلسات فنی که هم‌اکنون بین سازمان ملی استاندارد و شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه در حال برگزاری است هر چه زودتر برطرف شود.

شاکی پرونده، زنده ماندنش را معجزه می‌داند

حمله شبانه مردان نقابدار به ویلایی در کردان

داخلی

«سارقان بی‌رحم می‌خواستند با قمه ضربه‌ای به سرم بزنند که دستانم را بالا بردم و همین باعث شد ضربه قمه به دستم اصابت کند و از مرگ فرار کنم.» این گفته‌های مردی جوان است که با اجاره ویلایی در کردان به همراه همسر و دوستانش به آنجا رفته بودند اما ناگهان با دزدانی روبه‌رو شدند که از روی دیوار به داخل ویلا پریده و آنها را محاصره کردند. درست مانند حادثه‌ای که سال‌ها پیش در خمینی‌شهر اصفهان رخ داد و در جریان آن سارقان نقابدار با ورود به ویلایی که چند نفر آنجا را اجاره کرده بودند دست به جنایتی هولناک زدند. اما در این حادثه بخت با افراد حاضر در ویلا یار بود که دزدان فقط به سرقت اموال آنها بسنده کردند.

به گزارش همشهری، این حادثه دوشنبه هفته گذشته رخ داد. مردی جوان ویلایی به‌مدت ۲۴ساعت در منطقه کردان اجاره کرد و به همراه همسر و دوستانشان راهی آنجا شدند. حوالی ساعت ۳بامداد که ناگهان ۶مرد نقابدار وارد ویلا شدند و ابتدا سرایدار و بعد مرد جوان و همراهانش را گروگان گرفتند تا دست به سرقت بزنند. اما در جریان این سرقت، مرد جوان با ضربات قمه مهاجمان زخمی و در بیمارستان بستری شد. وی دیروز در گفت‌وگو با همشهری جزئیات بیشتری از ماجرای این سرقت را توضیح داد و گفت: «ساعت حدود ۳بامداد بود. من داخل ویلا بودم و بقیه همراهانم در حیاط که ناگهان با ۶مرد نقابدار مواجه شدم. تا چند دقیقه شوکه و وحشت زده بودم. یکی از آنها شمشیر به‌دست داشت و تیغه آن را به سمتم گرفت و با تهدید گفت اگر حرفی بزنم جانم را می‌گیرد.»

۶مرد نقابدار، قمه، چاقو و شمشیر به‌دست داشتند و قصدشان این بود که با تهدید ساکنان ویلا، نقشه سرقت را اجرا کنند.

مرد جوان ادامه می‌دهد: «آنها می‌ترسیدند مبادا من با داد و فریاد بقیه را خبر کنم. برای همین یکی از آنها با قمه ضربه‌ای به بازویم زد و تهدید کرد که اگر حرفی بزنم مرا می‌کشد.»

شاکی ادامه می‌دهد: «با وجود اینکه بازویم زخمی شده بود، اما دزد قمه

به‌دست قصد داشت آسیب جدی‌تر به من برساند. او قمه را بالا گرفت و قصد داشت با آن ضربه‌ای به سرم بزند و در آن لحظه واکنش نشان دادم و دستانم را بالا بردم تا مانع او شوم. همین اقدام به موقع من موجب شد تا ضربه قمه با آرنجم برخورد کند و به‌شدت دچار آسیب شود. با این حال بخت با من یار بود که آن ضربه شدید به سرم نخورد. چرا که ممکن بود جانم را از دست بدهم و حالا که نفس می‌کشم، زنده ماندنم را معجزه می‌دانم، چون ضربه مهاجم بی‌رحم آنقدر شدید و عمیق بود که پس از این ماجرا راهی بیمارستان شدم و یک راست به اتاق عمل رفتم.»

مهاجمان بی‌رحم در ادامه به آنچه می‌خواستند رسیدند. «در حالی که به‌شدت زخمی بودم مرا به حیاط و نزد بقیه بردند و همه ما را گروگان گرفتند. تا چند دقیقه همه وحشت کرده بودیم و دزدان برای ایجاد رعب و وحشت شیشه ماشین‌هایمان را هم شکستند. آنها آن شب ۷گوشی موبایل، ۴ساعت ارزشمند، حدود ۳میلیون پول نقد و مدارک‌مان را سرقت کردند و بعد گریختند. با وجود اینکه زخمی شده بودم، به‌دنبالشان رفتم اما نتوانستم مانع فرارشان شوم، چون مقابل ویلا زمین خالی بود و آنها به راحتی موفق به فرار شدند.

پس از فرار مهاجمان ماجرای این سرقت به پلیس اعلام شد و مأموران کلانتری کردان در محل حادثه حضور یافتند.

شاکی می‌گوید: «سارقان سرایدار ویلا را گروگان گرفته و سپس وارد ساختمان شده بودند تا اموال ارزشمند ما را سرقت کنند. وقتی مأموران رسیدند، به تحقیق از ما و سرایدار ویلا پرداختند. سپس من که به‌شدت در این حادثه زخمی شده بودم توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شدم. ۲روز در بیمارستان بستری بودم و تحت عمل جراحی قرار گرفتم. به‌دلیل ضربه شدیدی که به آرنجم وارد شده بود در دستانم پلاتین قرار دادند و درد زیادی متحمل شده‌ام اما باز خدا را شکر می‌کنم که زنده هستم.

وی ادامه می‌دهد: ما ویلا را برای ۲۴ساعت اجاره کرده بودیم و بعد شنیدیم که چند شب قبل هم ۶مرد نقابدار به ویلای کناری هجوم برده و دست به سرقت اموال افرادی که در آنجا بودند، زدند. هم‌اکنون پرونده ما در کلانتری در حال رسیدگی است و امیدوارم که هرچه زودتر سارقان بی‌رحم بازداشت و مجازات شوند تا دیگر دست به چنین اقدام وحشیانه‌ای نزنند.

انفجار مرگبار مهمات جامانده از جنگ تحمیلی

انفجار مهمات جامانده از جنگ تحمیلی در منطقه تنگ کورک شهرستان گیلان‌غرب، جان یک نفر را گرفت. به گزارش فارس، شاهپور حیدری، رئیس جمعیت هلال احمر گیلان‌غرب گفت: دیروز گزارشی مبنی بر انفجار مهمات به‌جامانده از جنگ تحمیلی در منطقه تنگ کورک، توسط عوامل پاسگاه انتظامی دهستان گورسفید به جمعیت هلال احمر شهرستان اعلام شد.

وی ادامه داد: بلافاصله با هماهنگی‌های لازم تیم عملیات امداد و نجات جمعیت هلال احمر شهرستان گیلان‌غرب جهت ایمن‌سازی منطقه به محل حادثه اعزام و معلوم شد این انفجار متأسفانه جان یک نفر را گرفته است. همزمان با ایمن‌سازی محل، پیکر این جانباخته نیز به پزشکی قانونی منتقل شد.

انهدام باند بزرگ سرقت دلار در پایتخت

انتظامی

اعضای باند سرقت دلار نقشه حساب‌شده‌ای برای سرقت داشتند. یکی از آنها مقابل صرافی‌ها زاغ‌زنی و پیک صرافی را که دلار همراهش بود شناسایی می‌کرد و با اطلاعاتی که او در اختیار همدستانش قرار می‌داد نقشه سرقت رقم می‌خورد.

به گزارش همشهری، تحقیقات پلیس پایتخت برای دستگیری این باند به‌دنبال سرقت خشن از پیک‌موتوری یکی از صرافی‌های میدان فردوسی آغاز شد. چند دقیقه پیش از این سرقت، یکی از مشتریان صرافی با آنجا تماس گرفته و درخواست دلار به ارزش ۵میلیارد تومان کرده بود. صاحب صرافی نیز اسکناس‌های دلار را به پیک‌موتور صرافی تحویل داده و از او خواسته بود که این بسته را به‌دست مشتری برساند. مرد جوان نیز از صرافی خارج و سوار بر موتورش راهی آدرس مشتری شده بود که تنها چند دقیقه پس از حرکتش، با سارقانی روبه‌رو شده بود که خود را مأمور معرفی کرده بودند. مأموران قلابی که تجهیزات پلیسی نیز همراهشان بود ابتدا سد راه مرد موتورسوار شده و ادعا کرده بودند که به وی در زمینه قاچاق دلار مشکوک هستند. سپس از او خواسته بودند دلارها را تحویل دهد اما وقتی این مرد مقاومت کرده بودند شروع به ضرب و شتم او کرده و با تهدید چاقو و قمه همه دلارها را سرقت کرده و متواری شده بودند.

به‌دنبال این سرقت، مأموران پلیس که تلاش برای دستگیری دزدان را آغاز کرده بودند دریافتند که سارقان از یک زاغ‌زن برای شناسایی پیک‌موتوری حامل دلار استفاده کرده بودند. آنها با بررسی دوربین‌های مداربسته و تحقیقات فنی متوجه شدند که دقایقی پیش از سرقت، فردی با حضور در مقابل صرافی، جوانی را که قرار بوده بسته دلار را به مشتری صرافی برساند شناسایی کرده و از طریق تلفن مشخصات او را به همدستانش که در کمین طعمه‌شان بودند داده است. به همین دلیل پس از حرکت پیک‌موتوری، همدستانش وارد ماجرا شده و سرقت میلیاردی را عملی کرده بودند. با این اطلاعات بررسی‌ها روی شناسایی زاغ‌زن باند متمرکز و معلوم شد که وی مجرمی سابقه‌دار است. او پیش از این نیز به جرم سرقت دلار از صرافی‌ها دستگیر و زندانی شده بود و شکی وجود نداشت که یکی از اعضای باند سرقت است. درحالی که تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه این مرد آغاز شده بود، سرقت مشابه دیگری نیز رخ داد. در این سرقت نیز دزدان ابتدا از طریق زاغ‌زن پیک‌موتوری یکی از صرافی‌ها را شناسایی کرده و پس از تعقیب وی، در پوشش مأمور

سد راه او شده و بعد با تهدید چاقو و قمه دلارها را از وی سرقت کرده بودند. سردار حمید هداوند، جانشین فرمانده انتظامی تهران گفت: همه شواهد از این حکایت داشت که سرقت دوم نیز از سوی همان دزدانی صورت گرفته که سرقت نخست را رقم زده بودند. وی ادامه داد: در بررسی‌های تخصصی هویت و مخفیگاه ۲نفر از دزدان شناسایی و هر دوی آنها در یک عملیات ضربتی دستگیر شدند. آنها پس از انتقال به اداره پلیس به ارتکاب زورگیری با همدستی ۶نفر دیگر اعتراف کردند که در ادامه مخفیگاه تمامی متهمان را شناسایی و همگی آنها در عملیاتی همزمان دستگیر شدند. به گفته سردار هداوند، متهمان در تحقیقات تکمیلی به جعل عنوان پلیس، زورگیری، آدم‌ربایی، ضرب و جرح و ۸فقره سرقت از پیک‌های موتوری صرافی‌های تهران به ارزش ۲۰میلیارد تومان اعتراف کردند و پرونده آنها در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

با اثبات بی‌گناهی مرد آمریکایی، او پس از سال‌ها تحمل زندان آزاد شد

بی‌گناهی که ۳۶سال در زندان بود

خارجی

سالیوان والتر فقط ۱۷سال داشت که به جرم تجاوز به یک زن در نیواورلئان در دادگاه محاکمه و به حبس ابد محکوم شد. تنها سرنخی که باعث شد دادگاه این حکم سنگین را صادر کند، این بود که به گفته قربانی، مرد متجاوز کلاه بیسبال به سر داشت و همین باعث شد که این مرد سیاهپوست سال‌های زیادی از عمرش را پشت میله‌های زندان سپری کند تا اینکه چند روز پیش اتفاق مهمی در این پرونده رخ داد.

به گزارش همشهری به نقل از گاردین، بیشتر از ۳دهه قبل و به‌دنبال تجاوز به زنی جوان در خانه‌اش در نیواورلئان، تحقیقات پلیس برای دستگیری مرد متجاوز آغاز شد. زن مدعی بود که در تاریکی شب درحالی که به همراه فرزند خردسالش در خانه بوده، مرد ناشناسی درحالی که نقاب به‌صورت داشت وارد خانه شده، فرزند او را تهدید به قتل کرده و وی را هدف تجاوز قرار داده است. این زن می‌گفت که مرد متجاوز مدام او را تهدید می‌کرده که صورتش را برنگرداند و از طرفی هیچ نوری در داخل خانه نبود و به همین دلیل به درستی نتوانسته بود چهره مجرم را ببیند اما مطمئن است که وی کلاه بیسبال به سر داشته است.

دستگیری نوجوان سارق

تنها چند روز پس از این اتفاق مأموران پلیس نوجوان سیاهپوستی به نام سالیوان والتر ۱۷ساله را در جریان سرقت از خانه‌ای در نیواورلئان دستگیر کردند. سالیوان وقتی به کلانتری منتقل شد، کلاه بیسبال به سر داشت و همین باعث شد مأموران حدس بزنند فردی که به زن جوان تجاوز کرده بود، اوست. مأموران پلیس عکس سالیوان را به زن جوان نشان دادند و او با دیدن عکس مدعی شد که وی همان فردی است که در تاریکی شب وارد خانه آنها شده و نقشه شومش را اجرا کرده بود. همین اظهارات باعث دستگیری نوجوان ۱۷ساله شد و مدتی بعد وی در دادگاهی در این شهر پای میز محاکمه قرار گرفت. جلسه محاکمه سالیوان تنها چند ساعت طول کشید. او فقیرتر از آن بود که بتواند برای خود وکیل بگیرد و وکیل تسخیری او هیچ دفاعی از وی نکرد. حتی از دادگاه نخواست که نمونه دی‌ان‌ای فرد متجاوز که در صحنه جرم پیدا شده با دی‌ان‌ای سالیوان مطابقت داده شود و به این ترتیب پسر نوجوان به اتهام تجاوز و تهدید یک خردسال به قتل به حبس ابد محکوم و به زندان فرستاده شد.

۳۶سال بعد

سالیوان سال‌های زیادی را در زندان سپری کرد تا اینکه مدتی قبل جیسون ویلیامز، دادستانی که سال‌هاست پروژه‌ای با نام اثبات بی‌گناهی را آغاز کرده و درباره محکومیت‌های نادرست در سال‌ها قبل تحقیق می‌کند، تصمیم گرفت پرونده سالیوان را بررسی کند. او با مطالعه پرونده و پی‌بردن به این حقیقت که دادگاه تنها براساس ادعای زن جوان سالیوان را محکوم کرده است، درخواست کرد که این پرونده بار دیگر رسیدگی شود. او در بخشی از درخواست خود عنوان کرده بود که: «چطور یک زن می‌تواند نژاد فردی را که نقاب به‌صورت زده در تاریکی شب و درحالی که هیچ نوری در داخل اتاق نیست و از طرفی مدام او را تهدید می‌کند که وی نگاه نکند، تشخیص دهد، برسد به اینکه از روی یک عکس بتواند او را شناسایی کند؟» به این ترتیب رسیدگی دوباره به این پرونده آغاز شد و این بار نمونه دی‌ان‌ای فرد متجاوز که هنوز به‌عنوان شواهد به‌دست آمده از صحنه جرم در بایگانی پلیس وجود داشت به آزمایشگاه فرستاده شد و پس از بررسی‌های دقیق معلوم شد که دی‌ان‌ای مجرم با دی‌ان‌ای سالیوان فرق دارد.

به این ترتیب نوجوانی که در ۱۷سالگی به زندان افتاده بود، پس از گذشت بیش از ۳دهه تحمل حبس، روز پنجشنبه و در ۵۳سالگی از زندان آزاد شد و پس از در آغوش گرفتن ۲برادر بزرگترش، به خبرنگاران گفت که «من آماده زندگی هستم و فقط می‌خواهم یک زندگی صادقانه و آزاد داشته باشم.»

به نوشته گاردین، محکومیت مرد سیاهپوست نشان‌دهنده تعصب نژادی است که سیستم عدالت کیفری ایالات متحده را آزار می‌دهد و باعث شده است که سیاهپوستان در مقایسه با سفیدپوستان به‌طور نامتناسبی به اتهام تجاوز جنسی، قتل و جرایم مرتبط با موادمخدر محکوم شوند.

سال ۲۰۱۷ بررسی نزدیک به ۲۰۰۰پرونده که بین سال‌های ۱۹۸۹ و ۲۰۱۶ تشکیل شده و محکومان زیادی بی‌گناه شناخته شده بودند نشان داد که در این پرونده‌ها سیاهپوستان به‌طور قابل توجهی بعد از محکومیت بی‌گناه شناخته می‌شوند.

ریچارد دیویس، مدیر حقوقی پروژه اثبات بی‌گناهی نیواورلئان، در بیانیه‌ای به آسوشیتدپرس گفت: در مورد سالیوان والتر باید گفت که مانند دیگران، نژاد او نقش زیادی را در محکومیتش ایفا کرده بود. طوری که وکلا و مجریان قانون درگیر در این پرونده به گونه‌ای عمل کرده بودند که گویی چون متهم یک نوجوان سیاهپوست از خانواده‌ای فقیر بوده، هرگز کارشان مورد بررسی یا مورد بازخواست قرار نخواهند گرفت.

روز پنجشنبه گذشته و در جریان دادگاهی، قاضی حکم آزادی سالیوان را صادر کرد، او که حالا مردی میانسال است اشک در چشمانش جمع شد و قاضی تنها به گفتن این جمله به او بسنده کرد: «این وحشتناک است. من برای بیان ناراحتی و عصبانیت خود از رفتاری که سیستم قضایی با شما انجام داده، چیزی نمی‌توانم بگویم.»

کوتاه از حادثه

مهمانان مرد تاجر سارق بودند

مرد تاجر وقتی در را به روی مهمانانش باز کرد، خبر نداشت که قرار است قربانی نقشه شوم آنها شود.

به گزارش همشهری، چند روز قبل مردی با پلیس ۱۱۰تماس گرفت و گفت که ۳نفر به خانه او دستبرد زدند و وی را زخمی کرده‌اند. پس از این تماس مأموران پلیس راهی خانه وی در حوالی نیاوران شدند و مردی را دیدند که با ضربات چاقو زخمی و دچار خونریزی شده بود. این مرد که تاجری ثروتمند بود در توضیح ماجرای سرقت به مأموران گفت: قرار بود یکی از دوستانم به همراه ۲ نفر دیگر به خانه‌ام بیایند تا درباره مسائل کاری صحبت کنیم. وی ادامه داد: وقتی مهمانانم رسیدند سرگرم پذیرایی از آنها شدم. ناگهان یکی از آنها چاقویی زیر گلویم گذاشت و مرا تهدید به قتل کرد. شوکه شده بودم. ابتدا تصور کردم یک نمایش عجیب است، اما وقتی با چاقو ضربه‌ای به دستم زد و دچار خونریزی شدم فهمیدم که ماجرا جدی است و آنها نقشه شومی برای من کشیده‌اند. شاکی گفت: با وجود اینکه زخمی شده بودم اما همچنان در برابرشان مقاومت کردم که این بار شروع کردند به کتک زدن من و چند خراش با چاقو روی دستم انداختند. سپس دست و پایم را با چسب بستند و در یکی از اتاق‌ها زندانی‌ام کردند. مردان آشنا شروع کردند به جست‌وجو در خانه تا پول و طلاهایم را سرقت کنند و علاوه بر این یک دستگاه پوز هم همراهشان آورده بودند. آنها پس از جست‌وجو ۲ کارت بانکی‌ام را یافتند اما من حاضر نبودم رمز آن را به دزدان بگویم. در همین هنگام مردی که قمه در دست داشت تهدید کرد که اگر رمز را نگویم انگشتان دستم را به‌ترتیب قطع می‌کند، حتی خراشی با قمه روی یکی از انگشتانم انداخت تا نشان بدهد که تهدیدهایش جدی است. پس از آن ناچار شدم رمز هر دو کارتم را بگویم. آنها حدود ۱۰۰میلیون تومان از حسابم برداشت کردند. علاوه بر این ساعت گران‌قیمتم را که بیش از ۱۰۰میلیون تومان ارزش داشت و از اروپا خریده بودم، دزدیدند. آنها نتوانستند بقیه کارت‌های عابربانکم را پیدا کنند؛ چرا که ظاهرا شب قبل وقتی غذا سفارش دادم و می‌خواستم کارت‌ها را از کیفم بردارم، تعدادی از آنها زیر تخت افتاده و من متوجه نشده بودم. به همین دلیل دزدان نتوانستند کارت‌ها را پیدا و حساب‌های اصلی‌ام را خالی کنند.

مرد تاجر توضیح داد: طمع دزدان تمامی نداشت، آنها اصرار داشتند که باید ۳۰۰میلیون تومان دیگر به آنها بدهم در غیراینصورت مرا به قتل می‌رسانند و جانم را می‌گیرند. اما در همین هنگام صدای همسایه از بیرون در شنیده شد. او حتی زنگ خانه‌ام را زد و در آن لحظه بود که به یاد آوردم با مرد همسایه قرار ملاقات داشته‌ام. می‌خواستم فریاد بکشم و درخواست کمک کنم اما سارقان، قمه را زیر گلویم گذاشته و تهدید کردند که اگر حرفی بزنم گلویم را می‌برند. من هم از ترس جانم سکوت کرده بودم و مردان سارق وقتی خود را در خطر دیدند، منتظر شدند تا مرد همسایه برود و بعد فرار کردند. پس از آن با سختی و درحالی که زخمی بودم دست و پایم را باز کردم و به پلیس و اورژانس زنگ زدم. با این شکایت، پرونده‌ای در این‌باره تشکیل شد و پیش روی بازپرس دادسرای ویژه سرقت قرار گرفت. از سوی دیگر شاکی که زخمی شده به بیمارستان انتقال یافت و تحت مداوا قرار گرفت. هم‌اکنون تیم ویژه از مأموران پلیس، تحقیقات برای شناسایی و دستگیری سارقان را آغاز کرده‌اند.

بازداشت ۲مظنون در قتل گدای میلیونر

با گذشت ۱۷ماه از قتل گدای میلیونر در پایتخت، مأموران پلیس با شناسایی ردپای عمو و برادرزاده‌ای در این جنایت، آنها را بازداشت کردند.

به گزارش همشهری، اسرار این جنایت سی‌ام فروردین پارسال فاش شد. آن روز فردی با پلیس تماس گرفت و گفت از خانه همسایه‌شان که پیرمردی تنهاست، بوی تعفن به مشام می‌رسد. بعد از این تماس، مأموران راهی محل زندگی پیرمرد شدند و پس از ورود به خانه ویلایی قدیمی با جسد متعفن این مرد ۷۰ساله که در زیرزمین افتاده بود مواجه شدند. دست و پایش با نخ پلاستیکی بسته و دور گردنش هم نخ پلاستیکی پیچیده شده بود. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که حدود ۱۰روز از قتل پیرمرد می‌گذرد. تیم جنایی در ادامه با بهم‌ریختگی وسایل خانه مقتول روبه‌رو شدند. این موضوع نشان می‌داد، عامل یا عاملان جنایت با انگیزه سرقت دست به قتل وی زده‌اند؛ چرا که شواهد نشان می‌داد برخی از اموال وی دزدیده شده‌اند. آنطور که مشخص بود پیرمرد وضع مالی خوبی داشت. تحقیقات نشان می‌داد که او هر روز صبح برای گدایی از خانه‌اش خارج می‌شد و شب با دست پر به خانه برمی‌گشت. این موضوع را همسایه‌ها نیز تأیید کردند و یکی از آنها گفت: حدود ۲۰سالی می‌شد که مقتول در خانه ویلایی قدیمی زندگی می‌کرد. در این چند سال کسی به خانه او رفت و آمد نداشت. ما احتمال می‌دادیم که او همسر و فرزندی ندارد. فقط به برخی از همسایه‌ها گفته بود که یک خواهر دارد که او هم در شهرستان زندگی می‌کند. کارآگاهان در بررسی‌های بیشتر یک دفترچه بانکی در خانه مقتول کشف کردند که نشان می‌داد سال‌ها قبل مبلغ ۲۲۰میلیون تومان به یکی از حساب‌های بانکی‌اش واریز کرده و دیگر پولی از آن حساب برداشت نکرده است. علاوه بر این با کشف فیش‌های بانکی مشخص شد که مقتول مبالغ زیادی در حساب‌های دیگرش داشته و احتمالا بخشی از پول‌ها را نیز در خانه‌اش نگهداری می‌کرده است. اما در ادامه تحقیقات هیچ پولی از خانه وی کشف نشد و این یعنی عامل جنایت آنها را سرقت کرده بود. علاوه بر این گوشی موبایل مقتول نیز سرقت شده بود. تحقیقات مأموران با دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران برای شناسایی قاتل یا قاتلان ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل معلوم شد که گوشی مقتول در اختیار مرد جوانی است. این مرد سارقی سابقه‌دار بود که بارها زندان را تجربه کرده بود. وی دستگیر شد اما در بازجویی‌ها خودش را بی‌گناه دانست. او گفت که مدتی قبل گوشی تلفن همراهش خراب شد و این گوشی را از برادرزاده‌اش امانت گرفته و خبر نداشته که متعلق به مردی است که به قتل رسیده است. با این ادعا، مأموران پلیس سراغ برادرزاده وی رفتند. اتفاقا او هم از مجرمان سابقه‌دار بود اما پس از دستگیری ادعاهای متفاوتی مطرح کرد و در نهایت گفت که گوشی موبایل را در خیابان پیدا کرده است. بازپرس جنایی تهران، با توجه به اظهارات ضدو نقیض عمو و برادرزاده و شواهد و مدارکی که علیه آنهاست، دستور بازداشت هر دو را صادر کرده و تحقیقات از آنها ادامه دارد تا مشخص شود در این جنایت دست داشته‌اند یا نه.